

علی (ع)؛ حقیقتی برای دیروز، امروز، فردا!

○ عیسی محمدی



یک

لائوتسه را می‌شناسید؟ جزو قدیمی‌ترین فیلسوفان چینی است که کتاب معروفی دارد به نام تائو-ته-چینگ. این کتاب کوچک، اما بزرگ، تاثیر زیادی روی چینی‌های تمام دوره‌ها گذشته است. درباره راه و رسم سلوک با خود، دیگران، جهان و خداوندگار است. همین کشور بزرگ و بی‌در و پیکر چین، دانشمند مشهور دیگری دارد به نام کنفوسیوس. احتمالاً ایرانی‌ها، کنفوسیوس را بیشتر از لائوتسه می‌شناسند. کنفوسیوس را یک پیامبر یا شبه‌پیامبر می‌دانند. گروهی هم او را یک اصلاح‌گر اخلاقی یا اجتماعی می‌دانند. معروف است که می‌گویند روزی، روزگاری کنفوسیوس، راهش را کج می‌کند و سراغ لائوتسه می‌رود. از او راهنمایی می‌خواهد. لائوتسه، حکیم چین باستان هم نصیحت‌هایی کلی را تحویل او می‌دهد، "از جنگ و ستیزه کناره کن تا هیچ کس را یارای جنگیدن با تو نباشد... پاداش بدی به نیکویی ده... با نیکان و بدان نیکویی کن تا همه نیکی بیاموزند..." کنفوسیوس، این جوان پرشور و طالب اصلاح جهان و آدمیان، راهش را برای همیشه از لائوتسه جدا می‌کند. نه این که او را دوست نداشته باشد، دوست دارد، اما فلسفه عملی او را، بیش از حد ملایم تشخیص می‌دهد. اندیشمندان، لائوتسه را یک فیلسوف و حکیم منفعل اجتماعی و کنفوسیوس را یک حکیم اجتماعی می‌دانند. راستی حق با کدام است؟ با روش فردی لائوتسه یا روش اخلاقی و اجتماعی کنفوسیوس؟ این بحث، تنها بین این دو حکیم نبوده و نخواهد بود؛ بیشتر فیلسوفان و اندیشمندان تمام دوره‌های تاریخ، درگیر چنین دوراهی‌هایی بوده‌اند. کشیش‌های مسیحی، می‌گویند که اگر کسی سیلی زد، روی دیگر را برگردان که سیلی دوم را بزند. اما حکیمان و فیلسوفان مسیحی، این روش منفعل را تاب نیاوردند و برای اصلاح آن، دست به اصلاح‌گری زدند. حتی بین مسلمانان نیز چنین بحث‌هایی بوده و خواهد بود؛ گروهی از صوفی‌ها و عارفان فردگرا، اجتماع را رها می‌کردند و تنها به خودشان می‌پرداختند. گروهی دیگر هم،

دو

همه چیز را در اجتماعیان خلاصه می‌کردند و دیگر هیچ راستی حق با کدام یک است؟

می‌توان بدون رد هیچ یک از روش‌های فردی و اجتماعی گروه‌هایی که از آن‌ها نام بردیم، به راه سومی فکر کرد. چه راه سومی؟ راهی که هر دو روش را، در درون خودش داشته باشد و این کار را هم، خیلی خوب انجام داده باشد. مثل کدام روش؟ من می‌گویم مثل علی (ع)، شما بگردید و اگر بهتر از علی (ع) کسی را پیدا کردید، حرفم را قبول نکنید. علی، فرمانروای مطلق سرزمین روح و نفس و خودسازی است. روح او، آنقدر بزرگ و خودساخته است که هر گروهی که ادعای خودسازی و بازسازی روحی و اخلاقی دارد، می‌خواهد که خودش را به او وصل کند و متصل بداند. علی (ع)، سرچشمه و قهرمان بسیاری از سربازان سرزمین خودسازی و تقوا و پرواز معنوی است.

سه

علی (ع)، یک میراث فرهنگی نیست که در موزه‌های دیروز جایش بدهیم و خلاص. علی (ع)، طرحی برای امروز ما جوانترها است؛ ما جوانترهایی که تشنه عدالت و آزادی و آزادی و پارسایی هستیم و تفاوت حرف‌ها و عمل‌ها را، به خوبی تفاوت شام و ناهار که میل می‌کنیم، می‌فهمیم. علی (ع)، طرحی برای آینده است؛ طرحی که می‌توان در آن غرق شد و ناگفته‌ها و نادانسته‌های زیادی از آن کشف کرد. کسانی که دانسته یا نادانسته، علی (ع) را در موزه‌های تاریخ اسلام و اسلام شناسی و شیعه شناسی دفن کرده‌اند، بی‌آنکه خوب‌ترین نیز بدانند، ظلمی بزرگ به جوانان امروز می‌کنند. جوان دیروز، تشنه علی (ع) بود و امام، مطهری و شریعتی این را خوب درک کردند و سیرایش کردند. جوان امروز، تشنه علی (ع) است و کوتاهی از ما است که نمی‌توانیم این قهرمان انسانیت را، به قاب امروز بیاوریم. جوان فردا... مگر می‌تواند تشنه علی (ع) نباشد؟ آنکه گفتارهای راستین و روایت‌های راستین علی (ع) را می‌شنوند، مگر می‌تواند دچار علی (ع) نباشد؟

تمام؟! نه، او یک آدم منفعل نیست که بنشیند و تنها به ذکرها و نمازها و حالت‌های روحی خودش فکر کند. او، جامعه خودش را، آدم‌های اطراف خودش را احساس می‌کند. در مورد ژان ژاک روسو، فیلسوف بزرگ فرانسوی که تفکرات او باعث و بانی انقلاب فرانسه و بسیاری از انقلاب‌های فکری دیگر شده بود، می‌گویند وقتی که کارش به یک نهاد دولتی می‌خورد و با کمال وقاحت، حقش را نمی‌دهند، آن وقت بوده که تصمیم می‌گیرد علیه همه این سیستم‌های بیمار و ظالم بجنگد. دیوید هیوم، فیلسوف بزرگ انگلیسی، درباره روسو عبارت جالبی دارد، "او جهان را احساس کرده است". راست هم می‌گفت، روسو نمی‌توانست درباره جهان اطراف خودش، بی‌تفاوت باشد و همه بی‌عدالتی‌های اطراف خودش را احساس می‌کرد. علی (ع)، درد دارد، احساس دارد و به حال انسان اطراف خودش، دل می‌سوزاند. او، نمی‌تواند گوشه‌ای بنشیند و تنها به تماشا کفایت کند. اما این اجتماعی بودن، او را با روح و جانش نیز غریبه نمی‌